

درآمدی بر رویکردهای زبان‌شناسی شناختی در قرآن کریم

تألیف

علی اسودی

هیئت علمی دانشگاه خوارزمی

الهام مختاری



دانشگاه خوارزمی

تهران ۱۴۰۳

سرشناسه	: اسودی، علی، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: درآمدی بر رویکردهای زیانسانسی شناختی در قرآن کریم/تالیف علی اسودی، الهه مختاری.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه خوارزمی، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۵ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۴۸۱۵-۰۷-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۲۱۵]-۲۲۵.
موضوع	: قرآن -- مسائل ادبی و معانی و بیان Rhetoric in the Qur'an قرآن -- مسائل لغوی Qur'an -- Language, Style قرآن -- بررسی و شناخت Qur'an -- Surveys
موضوع	: دستور زبان شناختی Cognitive grammar, معنی شناسی Semantics
شناسه افزوده	: مختاری، الهه، ۱۳۶۹-
رده بندی کنگره	: ۲/BPA۲
رده بندی دیویی	: ۱۵۳/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۶۹۲۰۸۹



عنوان کتاب	: درآمدی بر رویکردهای زیانسانسی شناختی در قرآن کریم
تألیف	: علی اسودی، الهه مختاری
ناشر	: دانشگاه خوارزمی
چاپ و صحافی	: دانشگاه خوارزمی
صفحه آرا و طراح جلد	: فاطمه منظور
نوبت و سال چاپ	: اول، ۱۴۰۳
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۴۸۱۵-۰۷-۱
شمار	: ۵۰۰ نسخه
قیمت	: ۲۵۰۰۰۰ ریال

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به انتشارات دانشگاه خوارزمی است.

آدرس: تهران، خ شهید مرتضی، شماره ۴۳، کدپستی ۱۵۷۱۹-۱۴۹۱۱
تلفن مرکز پخش: ۸۸۳۱۱۸۶۶
www.khu.ac.ir pub@khu.ac.ir

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۹
زبان‌شناسی شناختی.....	۱۳
فصل اول: طرح‌واره‌های تصویری.....	۱۷
مقدمه.....	۱۷
چیستی طرح‌واره تصویری.....	۱۷
مفهوم تصویر و تصویرپردازی.....	۱۸
تصویر از دیدگاه متقدمان و متاخران.....	۱۹
طرح‌واره حجمی (طرح‌واره ظرف و مظروف).....	۲۴
عناصر ساختاری ثابت.....	۲۶
طرح‌واره حرکتی (سفر و اجزای آن).....	۳۷
طرح‌واره نیرو یا قدرت.....	۴۷
طرح‌واره نیروی متقابل.....	۵۱
طرح‌واره حذف مانع.....	۵۲
طرح‌واره انسداد.....	۵۵
طرح‌واره توانایی.....	۵۷
طرح‌واره بالا و پایین.....	۵۸
طرح‌واره خطی.....	۶۳
طرح‌واره نزدیکی و دوری.....	۶۶
طرح‌واره موقعیت عقب و جلو.....	۶۶
طرح‌واره نزدیکی و دوری.....	۶۸
فصل دوم: استعاره مفهومی.....	۷۱
مقدمه.....	۷۱
اصل یک سویدگی و ضرورت.....	۷۳
استعاره مفهومی در قرآن.....	۷۳
استعاره.....	۷۶

۷۷	استعاره مفهومی و اصول آن
۷۸	مبانی نظری استعاره مفهومی
۷۸	پیشینه استفاده از استعاره
۸۹	استعاره ساختاری
۹۰	جاء و اتی
۹۲	هدی و ضل
۹۳	نعم و تاب
۹۴	انزل و ارسل
۹۶	استعاره‌های قرآن درباره زندگی
۱۰۲	استعاره مفهومی جهتی
۱۰۷	استعاره مفهومی هستی‌شناختی
۱۱۰	نور
۱۱۴	استعاره وجودی (هستی‌شناختی)
۱۱۹	استعاره
۱۲۳	تحلیل و بررسی استعاره مفهومی آیات مربوط به قیامت
۱۲۵	فصل سوم: افعال حرکتی
۱۲۵	مقدمه
۱۲۵	حرکت و انواع آن
۱۲۵	حرکت پویا و ایستا
۱۲۵	رویداد حرکت و اجزای آن
۱۳۰	طرح‌واره حرکتی
۱۴۵	نمونه‌هایی از انواع حرکت انتقالی در قرآن
۱۵۸	خود شامل
۱۵۸	نمونه‌هایی از انواع حرکت خود شامل در قرآن
۱۶۸	ایستایی
۱۶۸	نمونه‌هایی از آیاتی که فعل ایستایی در آن‌ها استفاده شده است را در زیر می‌بینید
۱۷۱	انواع افعال حرکتی در قرآن
۱۷۲	بازنمایی انواع مفاهیم معنایی حرکت در قرآن

۱۷۳	حروف اضافه حرکتی در قرآن کریم
۱۷۷	انواع بازنمود افعال مسیر نما و شیوه نما در رویدادهای حرکتی قرآن
۱۹۱	فصل چهارم: تحول معنایی
۱۹۱	مقدمه
۱۹۲	عوامل مؤثر در تحول معنایی
۱۹۲	کاربرد
۱۹۳	نیاز
۱۹۴	انواع تحول معنایی
۱۹۴	تخصیص واژگانی
۱۹۴	تعمیم واژگانی
۱۹۴	انحطاط واژگانی
۱۹۴	پشرفت واژگانی
۱۹۵	تغییر در کاربرد (مجاز)
۱۹۵	تعمیم واژگانی
۱۹۸	انحطاط واژگانی
۲۰۲	انتقال معنایی
۲۰۵	تحول معنایی
۲۱۵	منابع و مصادر

مطالعه معنا در زبان‌شناسی شناختی را معناشناسی شناختی گویند. در این روش زبان، نظامی ذهنی و شناختی بوده، درک این نظام بدون درک نظام شناختی انسان محقق نمی‌شود؛ به عبارتی این شیوه، مطالعه زبان را با توجه به کاربرد آن، انجام می‌دهد. بنا بر آنچه به ویتکنشتاین منتسب می‌کنند؛ مطالعه زبان تنها از جنبه نظری و بدون توجه به کاربرد و نقش آن به عنوان ابزار ایجاد ارتباط در میان سخنگویان زبان، کار صحیحی نیست؛ لذا مفهوم‌سازی هویت سمع باید با توجه به متن قرآن انجام پذیرد.

علامه طباطبایی معتقد است عقلیون در غرب، ادراکات ذهنی را بر دو قسم می‌دانند. برخی مفاهیم مستقیم از حواس وارد ذهن می‌شوند و برخی دیگر از مفاهیم را عقل از پیش خود ابداع می‌کنند؛ اما برای حسی‌گرایان تصورات فطری ذاتی معنا ندارد، ذهن در ابتدا لوح سفیدی است که به تدریج از راه حواس خارجی و داخلی نقش‌هایی می‌پذیرد.

علامه هر دو نظریه را رد نموده، معتقد است قوه مدرکه انسان یک فعالیت خاصی را انجام می‌دهد. وی این فعل قوه مدرکه را اعتبار می‌نامد و در ادامه بیان می‌کند همین اعتبار یا انتزاع است که بدیهیات اولیه تصویری منطق و غالب مفاهیم عامه فلسفه را برای ذهن بشر به وجود می‌آورد. (طباطبایی (بی تا)، ج ۲، ص ۱۸-۱۷)

حکمای اسلامی معقولات را دو قسم نموده‌اند، آن‌ها معقولاتی را که از امور حسی انتزاع می‌شوند، مانند مفهوم انسان، کوه، درخت و... را معقولات اولیه و معقولاتی که از امور عامه هستند، مانند مفهوم، وجود، عدم، وحدت و کثرت از معقولات ثانوی می‌نامند. گروه اول بعد از ورود صور حسی به ذهن، ذهن از آن‌ها یک معنای کلی انتزاع می‌کند، ولی مفاهیم در گروه دوم مستقیماً از راه حواس وارد ذهن نگردیده‌اند، بلکه ذهن بعد از واجد شدن صور حسی، یک نوع فعالیت خاصی را انجام داده، سپس با ترتیب خاصی این مفاهیم را از آن صور حسی انتزاع می‌کند. (همان، ص ۱۴)

علامه طباطبایی و ادراکات را به دو نوع حقیقی و اعتباری تقسیم می‌کند و برای این نوع ادراک، ویژگی‌هایی بر می‌شمرد. او ادراکات حقیقی را انکشافات و انعکاسات ذهنی واقع و نفس‌الامر دانسته، اعتباریات را اموری فرضی می‌داند که ذهن برای رفع ضرورت و حل مشکلات عملی و کاربردی از آن‌ها استفاده می‌کند.

زبان‌شناسی چیست؟

علم به دست آوردن شناختی نظام یافته و قاعده مند از موضوع زبان در همه‌ی ابعاد، سطوح و جنبه‌های مختلف آن. (Robert, 1980: 73)

پیشینه

تاریخ زبان‌شناسی گواه آن است که این علم با انگیزه‌ها و بر اساس نیازهای متفاوتی در گوشه گوشه جهان شکل گرفته است. زمانی با نگرشی فلسفی و با نیت حلیه بر حرف در سخنوری، مکالمات و محاضرات منطقی؛ روزگاری دیگر و در مکانی دیگر به قصد یافتن زبان مشترک برای تجارت و تعاملات بازرگانی با مردمانی با زبان و فرهنگ متفاوت؛ زمانی دیگر درک و فهم سبک زندگی و پی بردن به نیازهای مردمانی دیگر به منظور سلطه بر شئون مختلف حیات بشری آنها. البته یکی از انگیزه‌های مهم و تأثیرگذار در بین دانشمندان علوم زبانی در جهان اسلام انگیزه دینی بوده است.

زبان‌شناسی به چند دسته تقسیم می‌شود:

- آواشناسی - واج‌شناسی

- صرف

- نحو

- معنی‌شناسی

با رشد علوم شناختی در دهه‌های اخیر، توجه دانشمندان علوم شناختی به زبان‌شناسی و به ویژه معناشناسی جلب شد. حیطه علوم شناختی به بررسی نحوه کارکرد ذهن، چگونگی دریافت اطلاعات از محیط توسط حواس، نحوه پردازش آنها، و طبقه‌بندی و ذخیره این داده‌ها در حافظه می‌پردازد. (Lobener, 2002: 171)

معنی‌شناسی شناختی یکی از دو بخش عمده زبان‌شناسی شناختی است که در دهه ۱۹۷۰ آغاز شد و در واقع واکنشی بود به معنی‌شناسی صدق و کذب که در زبان‌شناسی صورت‌نگار مطرح بود. (راسخ مهند، ۱۳۹۴: ۳۸)

در معنی‌شناسی شناختی معنا، پدیده‌ای ثابت نیست، بلکه سیال است؛ چرا که می‌توان از منظرهای گوناگون یک واژه یا جمله و یا موقعیت را معنا و تفسیر کرد؛ به عبارت دیگر در این چارچوب مفهوم همان معنای سیال است. ادعای اصلی معناشناسی شناختی نیز بر این است که در تحلیل معانی باید به مفهوم‌سازی‌ها توجه داشت. قائمی‌نیا در تأیید این ادعا به این نکته اشاره می‌کند که نمی‌توان زبان را ساختاری ثابت و انعطاف‌ناپذیر در نظر گرفت اگر معنا مشخصه اصلی ساختار زبان آن ساختار هم انعطاف‌پذیر است. (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰، صص ۱۹۸ و ۵۳)

دیگر اینکه در استعاره مفهومی با نوعی جسمی‌شدگی مواجهیم این جسمی‌شدگی را در طرح‌واره‌های تصویری که نخستین بار توسط جانسون (۱۹۸۷) مطرح شد به وضوح می‌توان مشاهده کرد. دوزخ و بهشت از آن جهت که در زندگی دنیایی تجربه نمی‌شوند پدیده‌هایی انتزاعی محسوب می‌شوند که اگر اوصاف آن‌ها در قرآن نیامده بودند هیچ تصویری از آنان در ذهن خود نداشتیم.

بسیاری از مفسران نیز به این نکته اشاره کرده‌اند که قرآن حقایق غیبی و معنوی را در قالب امور حسی و مادی بیان می‌کند تا انسان که تجربیاتش در عالم ماده است آن را درک کند. (حسینی و قائمی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۳۰)

علم زبان‌شناسی و به ویژه معناشناسی شناختی به عنوان شاخه‌ای از این علم می‌توانند در درک بهتر و عمیق‌تر آیات قرآنی راهگشا باشد. قائمی‌نیا نیز معتقد است زبان‌شناسی شناختی

در تبیین اختلاف تعبیر توانایی‌های بسیاری دارد و دستاوردش برای تفسیر بسیار مهم است. (قائم‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۲۲) آنچه امروزه در میان زبان‌شناسان تحت عنوان معنی‌شناسی شناختی معرفی می‌شود، در اصل وجوه مشترک آراء گروهی از معنی‌شناسان سه برهه اخیر، به ویژه لانگاکر^۱، لیکاف^۲، بروگمن^۳، جانسون^۴، فوکونیه^۵، تالمی^۶ و سویتسر^۷ است. اصطلاح معنی‌شناسی را نخستین بار لیکاف در مقاله‌ای با همین عنوان مطرح و نگرشی را معرفی کرد که بسیاری از معنی‌شناسان را مجذوب خود ساخت. بنابراین نگرش، «دانش زبانی انسان مستقل از اندیشیدن و شناخت نیست.» (صفوی، ۱۳۸۲: ۶۷-۶۶)

زبان‌شناسی شناختی یکی از حوزه‌های علوم شناختی محسوب می‌شود که به بررسی زبان در دو شاخه دستوری و معنایی می‌پردازد. زبان‌شناسی شناختی به مطالعه زبان می‌پردازد. زیرا به وجود رابطه‌ای میان زبان، انسان، ذهن و تجارب اجتماعی و فیزیکی او باور دارد. (شریفی، ۱۳۸۸، ش: ۲) لئونارد تالمی یکی از پیشگامان حوزه زبان‌شناسی شناختی است. تالمی معتقد است که «زبان، نظام مفهومی ما را با استفاده از طرح‌واره تصویری که حاصل درک جسمی شده‌اند، نشان می‌دهد.» بدین صورت که بر اساس الگوی حرکت و طرح‌واره، تصویری به بررسی مفاهیم انتزاعی کلمات نظام ساختاری کلمات می‌پردازد.

در زبان‌شناسی شناختی به زبان به عنوان وسیله‌ای برای کشف نظام شناختی انسان نگریسته می‌شود. لیکاف و جانسون به این نتیجه رسیدند که زبان استعاری با یک نظام زیربنایی یعنی نظام تفکر در ارتباط است. این در حالی بود که تا چند دهه اخیر استعاره بر اساس بلاغت سنتی و به عنوان عنصری بلاغی و شاعرانه مورد بررسی قرار می‌گرفت.

زبان‌شناسی شناختی رویکردی به تحلیل زبان‌های طبیعی است که زبان را ابزاری برای نظم سامان بخشی پردازش و انتقال اطلاعات می‌داند و به بررسی رابطه میان زبان، انسان ذهن

1- Lanqacker

2- Lakoff

3- Brugman

4- Jihson

5- Fauconnier

6- Talmy

7- Sweetser

او و تجارب اجتماعی و فیزیکی می‌پردازد. این دانش به بررسی این نکته می‌پردازد که وقتی کاربران زبان می‌خواهند موقعیتی را توصیف کنند اطلاعات موجود در ذهن آن‌ها چگونه در مفهوم‌سازی یعنی ساماندهی آن موقعیت تأثیر می‌گذارد. (قائم‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۴۷)

زبان‌شناسی شناختی^۱

یکی از رویکردهای جدید زبان‌شناسی محسوب می‌شود که در دو دهه اخیر رشد فراگیری داشته است. شناخت‌گرایان معتقدند ساختار زبانی انعکاس مستقیم شناخت می‌باشد؛ بدین معنی که هر عبارت با شیوه‌ای خاص از مفهوم‌سازی^۲ با یک موقعیت خاص مرتبط است.

زبان یک ظرفیت انسانی منحصر به فردی است و زبان معمولی که مردم عادی به طور روزمره با آن به عنوان اطلاعات خام^۳ برای ساختن نظریه‌های زبان‌شناسان مورد استفاده قرار می‌گیرد زبان‌شناسی به عنوان یک از علوم شناختی در کنار، فلسفه روان‌شناسی، عصب‌شناسی و هوش مصنوعی قرار می‌گیرد. برقراری ارتباط زبانی به این معناست که کاربران اطلاعات خود را به صورت خاصی پردازش می‌کنند و به آن سامان می‌دهند و سپس اطلاعات را در قالب تعبیر زبانی به دیگران انتقال می‌دهند به بیان دیگر ادعای زبان‌شناسی شناختی این است که ساختار زبان انعکاس مستقیم شناخت است؛ یعنی زبان به عنوان نظامی مطرح شود که به طور مستقیم ساختار مفهومی^۴ ما را منعکس می‌کند. (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۱۶)

در این نگرش فرض بر آن است که زبان الگوهای اندیشه و ویژگی‌های ذهن انسان را منعکس می‌کند و با مطالعه زبان می‌توان به ماهیت و ساختار افکار و آراء ذهن انسان پی برد. (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳: ۷) به این معنا که هر تعبیر زبانی با مفهوم‌سازی موقعیت خاصی همراه است زبان به طور مستقیم موقعیت‌های بیرونی را نشان نمی‌دهد بلکه زبان به طور مستقیم پردازش‌گوينده از آن موقعیت‌ها و یا تعبیر او را نشان می‌دهد و این ذهن‌گوينده است که

1- Cognitive Linguistics

2- Conceptualization

3- Raw (Data)

4- Conceptual Organization

مفهوم‌سازی^۱ ویژه‌ای از موقعیت‌ها دارد و اطلاعات خود را در قالب خاصی پردازش می‌کند و زبان آن مفهوم‌سازی را نشان دهد. به بیان دیگر معنا چیزی جز مفهوم‌سازی ذهن نیست (قائم‌نیا، ۱۳۹۰: ۴۳)

اصطلاح معنی‌شناسی شناختی نخستین بار از سوی جورج لیکاف مطرح شد و نگرشی را معرفی کرد که بسیاری از معناشناسان را مجذوب خود ساخت براساس این نگرش دانش زبانی مستقل از اندیشیدن و شناخت نیست. (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۳۶۴) اصطلاح معناشناسی شناختی امروزه در میان زبان‌شناسان شناختی اصطلاحی جا افتاده و رایج است و بر گرایش معناشناختی خاصی دلالت دارد که نتایج زبان‌شناسی شناختی را در تحلیل معناشناسی زبان‌های طبیعی به کار می‌گیرد (قائم‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۱۸) باید اذعان کرد آنچه زبان‌شناسی شناختی و به ویژه معنی‌شناسی شناختی نامیده می‌شود، یک نظریه واحد نیست بلکه رویکردهای متفاوتی است که در اساس وجوه اشتراکی دارند و همین وجوه اشتراک است که اصول بنیادین چنین نگرشی را تشکیل می‌دهند. (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۳۶۴)

همچنین آن‌ها بر این عقیده‌اند که حتی اصول همگانی مربوط به طرح زبان، ریشه در شناخت دارد. از نظر زبان‌شناسان شناخت گرا میان فکر، معنا و ساختار زبانی پیوندی تنگاتنگ وجود دارد. زبان‌شناسی شناختی در نیمه نخست قرن بیستم و آن رادر اثر تلاش‌های فلاسفه تجربه‌گرا به وجود آمد. (الترکی ۲۰۱۱م: ص ۱۲۴) این زبان‌شناسی از تأثیر روان‌شناسی گشتالت بوده و بر این باور استوار است که انسان حقایق را نه به صورت مستقیم، بلکه به شکل مجموعه‌های کلی و با واسطه درک می‌کند. «آنها معتقدند مسئله شناخت از رهگذر تجربه درونی رویمی دهد؛ تجربه‌ای که پیونددهنده احساسات و اندیشه‌ها است.» (الکردی، ۱۹۹۲م: ص ۵۲)

زبان‌شناسی شناختی یکی از مهم‌ترین مکتب‌های زبان‌شناسی قلمداد می‌شود که ریشه در علوم شناختی و حوزه‌ی مطالعات زبانی بر مبنای درک و تجربیات زیستی دارد. «طرفداران

دیدگاه‌شناختی زبان را نیز همچون فکر و اندیشه دارای نظام و ساختار می‌دانند. از نظر آنان، ساختار نظام‌مندی که در زبان وجود دارد ساختار فکر ما را هم منعکس می‌کند. لیکاف و جانسون به این نتیجه رسیده‌اند که مفاهیم انتزاعی در ذهن انسان با بهره‌گیری از مفاهیم عینی سازمان‌بندی می‌شوند. (راسخ مهند، ۱۳۹۳: ۱۴-۱۳)

دیدگاه‌شناختی استعاره از سال ۱۸۹۷ وقتی معنی‌شناسی، زبانی از سوی م برآل در کتاب مقاله‌ای در معنی‌شناسی مطرح شد. استعاره به منزله‌ی مسئله‌ای زبانی مورد توجه قرار گرفت و از سال‌های پایانی دهه ۱۹۵۰ بحث درباره مطالعات زبان‌شناسی آن گسترده‌تر می‌شود. استعاره، نه فقط مخصوص ادبیات است؛ بلکه به زبان نیز مربوط می‌شود و چون ادبیات با زبان آمیخته توسط پژوهشگران کاربرد مشهودتری یافته است. رویکرد کلی مطالعه زبان که امروزه تحت عنوان زبان‌شناسی‌شناختی مطرح می‌شود به عنوان جزء لاینفک جنبشی گسترده‌تر به طور کلی برای دستیابی به رضایت بخش از طبیعت شناخت انسان و به طور خاص به معنای زبانی شکل گرفت. جنبشی که در آن گروه قابل توجهی از دانشمندان علوم‌شناختی زبان‌شناسان روان‌شناسان مردم‌شناسان، فیلسوفان، دانشمندان علوم رایانه‌ای و حتی منتقدان ادبی از نیمه‌های دهه هفتاد ابتدا در ایالات متحده و اندکی بعد در اروپا و به طور محدودتر در دیگر نقاط جهان درگیر بوده‌اند. جنبه زبانی این تلاش گسترده، زبان‌شناسی‌شناختی نام دارد. (ساسانی، ۱۳۹۰: ۶)

از دهه ۱۹۵۰ در حوزه زبان‌شناسی نوام چامسکی نظریه‌هایی را در مورد نحو و ساخت‌های نحوی ارائه کرد که در آن‌ها معنا و بررسی آن جایی نداشت. ولی در این میان عده‌ای مانند لیکاف و جانسون که در ابتدای راه دستور گشتار زایشی با چامسکی همراه بودند، نظریه‌های چامسکی را در توجیه اموری چون استعاره و درک آن ناکارآمد دانستند. آن‌ها معتقد بودند که بدون در نظر گرفتن رابطه بین معناهای واژگانی و همچنین چگونگی فهم و درک انسان از جهان تقریباً غیر ممکن است که بتوان به مطالعه چستی استعاره پرداخت لیکاف و جانسون را بنیان‌گذاران زبان‌شناسی‌شناختی می‌دانند. آن‌ها بر این باورند که استعاره

به خوبی نشان می‌دهد که چگونه برخی از جنبه‌های تجربه زندگی انسان به سایر تجربه‌ها مربوط می‌شوند. آن‌ها شواهدی ارائه می‌دهند که منعکس‌کننده جهات اصلی ادراک، تفکر و احتمالاً سازمان عصبی انسان است.

بر اساس مقدماتی که در بالا ذکر شد، نویسندگان این کتاب تصمیم گرفتند که پژوهشی نوین را در حوزه زبان‌شناسی شناختی ارائه دهند که به طور تخصصی فقط بر روی آیه‌های قرآن بیان شود. به این ترتیب که ما در آغاز کتاب را به چهار فصل طرح‌واره‌های تصویری، استعاره‌های مفهومی، افعال جنبشی و تحول معنایی تقسیم کردیم. در هر فصل با توضیح ادبیات نظری به جنبه‌ی کاربردی آن و آنهم تطبیق آیه‌های قرآن با این مفاهیم می‌پردازیم. این پژوهش ازین رو جدید است که تاکنون هیچ کتابی به طور تخصصی در زمینه این مفاهیم در قرآن پژوهش نگرفته است و برای اولین بار همه مفاهیم به اضافه‌ی تطبیق آیات قرآنی آن در این پژوهش ایجاد شده است. در فصل اول ما با طرح‌واره‌های تصویری آشنا می‌شویم و مبانی آن را می‌شناسیم. سپس به معرفی سه طرح‌واره حجمی، حرکتی و قدرت می‌پردازیم و آیات قرآنی مطابق با آن را شرح می‌دهیم. در این میان طرح‌واره قدرتی دارای زیر مجموعه‌های بسیاری است که به ۷ دسته تقسیم شده و به طور کامل، همراه با آیات قرآنی آن شرح داده می‌شود. در فصل دوم ابتدا به شرح استعاره مفهومی می‌پردازیم و سپس تفاوت آن را با می‌سنجیم و آن را به سه دسته ساختاری، جهت‌ی و هستی‌شناختی تقسیم می‌کنیم. برای هر دسته با آوردن آیات مربوط به هر بخش به شرح استعاره مفهومی موجود در آن می‌پردازیم. در فصل سوم به افعال حرکتی و جایگاه آن در حوزه زبان‌شناسی شناختی پرداخته می‌شود و پس از ذکر مؤلفه‌های حرکت، به ذکر انواع افعال حرکتی در قرآن می‌پردازیم و آیات قرآن را بر اساس آن مطابقت می‌دهیم. و در آخر در فصل چهارم در مورد تحول معنایی کلمات در قرآن می‌پردازیم که ابتدا عوامل تغییر معنایی را ذکر کرده و سپس انواع تحول معنایی را شرح می‌دهیم.